

## Explaining and examining the ways of defending Hazrat Zahra (PBUH) from the province

### Abstract

The honour and position of Hazrat Zahra (PBUH) , this unique lady of the Islamic world, has been recorded in authentic Shia and Sunni books. It is acknowledged by all Muslims that she was respected by the Prophet, and many stories of her honour have been narrated by the Prophet. After the death of the Prophet and the usurpation of the Caliphate by some people, Hazrat Zahra (PBUH) opposed the usurpers of the Caliphate in a completely political way and expressed her opposition to the usurpers of the Caliphate in various ways and at every opportunity. These people are illegitimate and usurpers. At another stage, when the usurpers of the Caliphate attacked the house of Ali (a.s.) to gain allegiance, Fatima Zahra (a.s.) sacrificed her whole life for her Imam and defended the Imamate and the governorship in this way. And they openly declare their opposition to the usurpers. Another way of the Prophet's defence of the province was through their tears and lamentations, making the people aware of the injustice done to them and their wives. A very important way of defending the Prophet from the Wilayat was through his sermons and orders, speaking openly and without veils to the people, declaring his opposition to the usurpers and defending the right of his Imam. Hazrat's will was another way of defending the Wilayat. He opposed himself with a completely political will. They announced that they had wronged him and Amir al-Mu'minin and declared to everyone that the right of the Caliphate belonged to Amir al-Mu'minin and that the usurpers of the Caliphate did not have the right to participate in the prayers and funeral of Fatima Zahra. In this article, which is written in an analytical and descriptive manner, an attempt is made to examine and analyse the various ways of Hazrat Zahra's defence of the province, including ignoring the usurpers, martyrdom, sermons and wills.

**Keywords:** Hazrat Zahra (PBUH) , defence, guardianship, martyrdom.

## تبیین و بررسی شیوه های دفاع حضرت زهرا (س) از ولایت

مظاهر احمدیان چهاربرج<sup>۱</sup> - سعید حمدالله زاده شیرین کند<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

### چکیده

شأن و مقام حضرت زهرا (س) این بانوی بی‌بدیل جهان اسلام در کتب معتبر شیعی و سنی بیان شده است، به اذعان همه مسلمین ایشان مورد احترام پیامبر بوده و روایات متعددی در شأن ایشان از پیامبر نقل شده است. بعد از رحلت پیامبر و غصب خلافت توسط عده‌ای، حضرت زهرا (س) در یک کار کاملاً سیاسی به مخالفت با غاصبین پرداخت و از طرق مختلف و در هر فرصتی مخالفت خود را با غاصبان خلافت اعلام نمود. یکی از راه‌های مخالفت آن حضرت، بی‌توجهی به افرادی بود که غاصب خلافت بودند، با این کار مردم را آگاه می‌کرد که خلافت این افراد نامشروع و غصبی است. در مرحله دیگر وقتی غاصبین خلافت، برای اخذ بیعت به خانه علی (ع) حمله کردند، فاطمه زهرا (س) با فداکار تمام جان خود را فدای امام خود می‌کند و از این طریق نیز از امامت و ولایت دفاع کردند، و مخالفت خود را با غاصبین به صورت علنی اعلام می‌کنند. یکی دیگر از

Mazaher670228@gmail.com

فارغ التحصیل سطح ۴ حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول)

Saeedhamdollahzade@gmail.com

طلبه سطح یک حوزه علمیه، قم، ایران

راه‌های دفاع حضرت از ولایت به‌وسیله اشک و ناله‌هایی که داشتند، بود و با این کار مردم را متوجه ظلمی که در حق خود و همسرش می‌شد، می‌کردند. راه بسیار مهم دفاع حضرت زهرا (س) از ولایت، خطبه‌ها و فرمایشات ایشان بود که به‌صراحت و بدون پرده با مردم صحبت می‌کردند و مخالفت خود را با غاصبین اعلام نموده و از حق امام خود دفاع می‌کرد. وصیت حضرت یکی دیگر از راه‌های دفاع از ولایت بود. ایشان با یک وصیت کاملاً سیاسی مخالفت خود را با کسانی که در حق ایشان امیرالمؤمنین ظلم کرده بودند اعلام کرده و به همگان اعلام می‌کنند که حق خلافت با امیرالمؤمنین بوده و غاصبین خلافت حق شرکت در نماز و تشییع فاطمه زهرا (س) را ندارند. در این مقاله که به‌صورت توصیفی-تحلیلی نوشته شده، سعی بر آن است تا شیوه‌های مختلف دفاع حضرت زهرا (س) از ولایت که از طرق مختلف از جمله بی‌توجهی به غاصبین، شهادت، خطبه‌ها و وصیت موردبررسی و تحلیل قرار گیرد.

**واژگان کلیدی: حضرت زهرا (س)، دفاع، ولایت، شهادت.**

## ۱. مقدمه

اسلام دینی است سیاسی، که ما را به موضع‌گیری مثبت در رابطه جهان پیرامون، دعوت می‌کند و از مامی خواهد در رابطه با حوادث و جریانات بی تفاوت نباشیم. وقایع و اتفاقاتی که در حیات بشر پدید می‌آیند هر کدام به نحوی در سرنوشت ما و بشریت موثرند و طبعاً طرز برخورد با آن وقایع باید مسئولانه باشد.

شخصیت هر کس تا حدود زیادی به جایگاه خانواده، شخصیت، اخلاق والدین، شوهر و محیط او بستگی دارد و شالوده و اساس شخصیت فرزند، در خانواده شکل می‌گیرد. بانوی بزرگ اسلام نیز از این قاعده مستثنی نبود. بر اساس این معیار، می‌توان فاطمه (س) را از پیشروان حرکت اسلامی دانست که همچون سیاستمداران قهرمان در صحنه زندگی ظاهر می‌شود.

این بانوی بزرگوار اسلام همچون پدران خود در راه دفاع از حقیقت و دین مبین اسلام حکایت‌ها دارد. عملکرد حضرت زهرا (س) در زندگی سیاسی و دینی نیز هم چون پدر و مادر بزرگوارشان مبتنی بر اعتقادی راسخ است. لذا در این راه از بذل هیچ سرمایه‌ای دریغ نمی‌ورزد. آنچه در این مقاله به‌اختصار در پی آن هستیم، تبیین و بررسی شیوه‌های مختلف دفاع حضرت زهرا (س) از ولایت است. پرداختن به این موضوع ره‌توشه‌های است تا همگان از، زن و مرد نقش خود را در مسائل کلان و اساسی اجتماع با تاسی به سیره فاطمی بیاموزند و بدانند دفاع از ولایت بر حفظ جان و مال و فرزند اولویت دارد. سوال اصلی این است که شیوه‌های دفاع حضرت زهرا (س) از ولایت چگونه قابل تبیین است؟ این مقاله به‌صورت تبیینی وبا اسناد کتابخانه‌ای نوشته شده است.

## ۲. زندگی سیاسی

حضرت زهرا (س) در روز بیستم جمادی‌الثانی چشم به جهان گشودند برخی از علماء گفته‌اند که در روز جمعه سال دوم از بعثت بوده و بعضی سال پنجم از بعثت را گفته‌اند. (قمی، استادی، ۱۳۸۴، ۱۱۱) دوران کودکی حضرت، در فضای بحرانی مکه و در شرایط ناگوار زندگی سیاسی مسلمانان، که با مشکلات و حوادث تلخی همچون محاصره اقتصادی پیامبر، آزار و شکنجه مسلمانان مواجه بود، سپری شد. در سال دهم بعثت، اندکی پس از رهایی از محاصره، مادر گرامی خویش را که رنج‌های ده سال مبارزه، او را از پای در آورده بود، از دست داد. (رفیعی، ۱۳۸۸، ۱۷)

حضرت زهرا (س) در هشت‌سالگی، سه روز پس از هجرت پیامبر همراه حضرت علی به مدینه هجرت کرد و بدین ترتیب فصل نوینی از زندگی فرهنگی، تربیتی، سیاسی و مبارزاتی ایشان آغاز شد. حضرت فاطمه در این مقطع ده ساله نیز در همه

عرصه‌ها در کنار پیامبر و امیر مومنان حضور داشت، حتی در پاره ای موارد به جبهه جنگ می رفت و به مداوای جراحت‌های فرمانده سپاه اسلام می پرداخت. (مجلسی، بی تا، ج ۲: ۸۸). به جرات می توان گفت که تمام زندگی ایشان از بدو تولد، که زنان قریش از کمک به مادرشان برای تولد حضرت زهرا (س) امتناع کردند، تا زمان شهادت، که در راه دفاع از حریم ولایت جان خود را فدا کرد سیاسی بوده و برای پیش برد اهداف مقدس اسلام لحظه‌ای از مجاهدت خود کوتاه نیامدند.

### ۳. تحلیل سیره فاطمی در دفاع از ولایت

حضرت زهرا (س) با بررسی شرایط و با تمام توان در تنویر افکار تلاش نمود و حجت را بر همگان تمام کرد. این سیره براساس سیر تاریخی مورد بررسی قرار می گیرد که عبارتند از:

۱- **عدم بیعت با خلیفه:** اهل بیت به همراه چند تن از صحابه با ابوبکر بیعت ننمودند، زیرا بیعت با وی مهر تأییدی بر موضوع غصب خلافت و تصدیق اعمال خلاف کتاب خدا و سنت پیامبر بود که از سوی آنها و با برچسب اسلام اجرا میشد و مجوزی بر بدعت‌های بعد می گردید. این عدم بیعت، آغاز مخالفت آشکار و بی پرده اهل بیت است.

۲- **مقاومت در مقابل بیعت اجباری و استغاثه:** بعد از آنکه پیک خلیفه غاصب، برای گرفتن بیعت به خانه اهل بیت آمد و با عدم همراهی آنها مواجه شد، قصد هجوم به خانه را کردند ولی حضرت زهرا (س) در مقابل شان ایستادگی کردند و فرمودند که آیا ناچارید که بدون اجازه وارد خانه‌ام شوید؟ (سلیم بن قیس الهلالی: ۵۸۴؛ طبرسی، ج ۱: ۸۳) و آنگاه که عمر دستور آتش زدن خانه را داد، حضرت در را باز نمود و صدا به ضجه و شیون بلند کرد که یا اَبَتاه یا رسول الله و شروع به استغاثه و ناله نمود و با گرفتن عباى علی با تمام توان مانع بردن همسرش به مسجد شد و فرمود که نمی گذارم همسرم را ببرید؛ و آنقدر پایداری نمود تا با ضربات تازیانه او را از علی جدا کردند (سلیم بن قیس الهلالی: ۸۶۴؛ مجلسی، ج ۴۳: ۱۹۷) و فرزند خود در شکم را قربانی دین می نماید و در نهایت نیز خود به دلیل ضربات و آسیب‌های وارد شده به شهادت می رسد.

۳- **اعتصاب سخن و اعلام ناراضیتی از غاصبان خلافت:** گفتار و رفتار رسول اکرم (ص) نسبت به حضرت زهرا (س) در دوران حیات آن حضرت، حاکی از جایگاه والای آن بانو نزد خدا و رسول اوست و بر هر کس روشن است که خشنودی و خشم حضرت زهرا (س) که تربیت شده مکتب نبوی است، برخاسته از احساسات بی پایه و گذرا نیست بلکه براساس حق است.

در جریان احتجاج، پیرامون موضوع فدک و خلافت پیامبر منطق قرآنی حضرت زهرا (س) آشکار شد. آن حضرت اعتصاب سخن و رویگردانی از ظالمان را برگزید، درحالی که همگان از این حدیث نبوی آگاه بودند "من آذی فاطمه فقد

آذانی و من آذانی فقد آذی الله عزوجل" یعنی: کسی که فاطمه را اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هر که مرا بیازارد، خداوند بلندمرتبه را آزرده است. (طبرسی: ۱۴۹) همین موضوع موجب شد تا خلیفه و همراهان برای عیادت و صلح با دختر پیغمبر پافشاری کنند. هنگامی که با وساطت امیرالمؤمنین (ع) اجازه ملاقات گرفتند، صورت از آن‌ها برگرداند و با طرح سؤالی، بار دیگر موضع خویش را اعلام نمود. ابتدا از آن‌ها خواست به صحت این حدیث شریف اعتراف کنند: «فاطمه بضعه منی فمن آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله»، سپس دست به آسمان برداشت و شکایت آن‌ها نزد پیامبر و خداوند کرد و از آن‌ها اعلام برائت نمود (سلیم بن قیس الهلالی: ۸۶۹؛ صدوق، ج ۱: ۱۸۷؛ مجلسی، ج ۴۳: ۱۷۱). علمای اهل سنت نیز به این موضوع معترف اند که «فهجرت فاطمه و لم تکلمه فی ذلک حتی ماتت» (ابن شهر آشوب، ج ۳: ۳۶۲؛ ابن ابی الحدید، ج ۶: ۴۶؛ دروزه، ج ۷: ۵۵) یعنی: فاطمه از او رو برگرداند و با او تا زمان مرگ سخن نگفت.

#### ۴. رهبر برگزیده خدا

حضرت زهرا (س) پس از بیان مطالب مزبور، برای آمادگی اذهان عمومی، مقدمه‌ای مشحون از حکمت و موعظه حسنه می‌آورد؛ ابتدا به فلسفه تشریح احکام و قوانین الهی اشاره می‌کند و حکمت الهی را در وضع احکام و اختیار رهبران بازگو می‌فرماید: «فجعل الله الايمان تطهيرا لكم من الشرك و الصلاة تنزيها لكم عن الكبر و الزكاه تزكیه للنفس و نماء فی الرزق ... و طاعتنا نظاما للمله و امامتنا امانا للفرقه و الجهاد عزا للاسلام» (طبرسی، ج ۳: ۹۹) «خداوند متعال ایمان را برای پاک کردن شما از شرک فرض نمود و نماز را برای دور بودن از تکبر، و زکات را برای پاک‌ی نفس و تکثیر روزی، و اطاعت و پیروی از ما را برای برقراری نظام دین، و امامت و رهبری ما را برای ایمنی از پراکندگی و تفرقه، و جهاد را برای عزت و سربلندی اسلام قرارداد.» ایشان به وسیله این جمله‌های کوتاه و دقیق، معانی بی‌شماری را به ما گوشزد می‌نماید:

۱- رهبری و امامت ما با قراردادهای بشری نبود، مانند نماز روزه و حج و زکات از جانب خداوند مقرر شده است.  
۲- پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت بیهوده نیست، خداوند آن را مقرر فرموده تا نظام او در زمین و در میان جامعه بشری همیشه و به طور مستمر و زنده بماند؛ همان‌گونه که امامت آن‌ها را برای ایجاد وحدت در جامعه و اجتناب از اختلاف و تفرقه تقدیر نموده است.

دختر پیامبر خدا، قوانین عام الهی و فرمول‌های دقیق اجتماعی و دینی را به مردم می‌گوید و با بیان این قوانین روشن می‌کند که همان‌گونه که اسلام بدون جهاد ذلیل است و انسان بدون ایمان مشترک، جامعه و ملت محمدی هم بدون اطاعت و پیروی از اهل بیت فاقد نظم اجتماعی است و مسلمانان بدون زعامت و رهبری آن‌ها، وحدت خویش را از دست خواهند داد؛ دقیقا بدان سان که بعدها اتفاق افتاد، تاریخ و از آن مهم‌تر، اوضاع کنونی مسلمانان جهان گویای آن است.

۳- با این دو جمله، امامت جایگاه خاص خود را در جامعه اسلامی می‌یابد؛ چراکه اگر، امت اعضا و جوارح پیکر اسلام را نمایش دهد، امامت سرو مغز آن خواهد بود. اگر امت مثل جسد جامعه باشد، امامت روح و عقل آن خواهد بود و اهل بیت رسالت سلول های مغزی آن؛ زیرا نظام وجود به وسیله عقل پابرجاست و اطاعت و پیروی جز از عقل، چیزی را نشاید.

فاطمه زهرا (س) در حکم یکی از سلول های مغزی اسلام، با پیکر اسلام آشناست و می‌داند چه خطری آن را تهدید می‌کند. در واقع، دشمن تمام وجود اسلام را هدف ضربات خود قرار داده است، ولی هرگز نمی‌تواند تمام آن را یکباره نابود سازد، مگر با هدف قرار دادن رأس و مرکزیت آن پیش از هر عضو دیگر. از این رو، حضرت فاطمه در این فراز از سخنانش توقف نمی‌کند، بلکه بیشتر پیش می‌رود تا واضح‌تر بیان کند و عناصر اصلی اهل بیت را معرفی و ضمیر «نا» را در «طاعتنا» و «امامتنا» مشخص و محدود سازد. بدین منظور، چنین ادامه می‌دهد: «ایها الناس اعلموا انی فاطمه و ابی محمد، اقول عودا و بدوا و لا اقول غلطا و لا افعال ما شططا لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) فان تفروه و تعرفوه تجدوه ابی دون نساؤکم و اخا ابن عمی دون رجالکم و لنعم المعزی الیه» (طبرسی، ج ۳: ۱۰۰) هان ای مردم! بدانید که من فاطمه‌ام پدرم محمد، سخن اول و آخرم را می‌گویم. در گفتن، غلط نگویم و در عمل، راه خطا نپویم. به راستی، برای شما پیامبری از بین خودتان مبعوث گشته که رنج شما بر او دشوار است و بر هدایت شما سخت حریص، و بر اهل ایمان دلسوز و مهربان. اگر از منسوبانست جست و جو کنید و او را بشناسید، خواهید دید که تنها پدر من است، نه پدرزنهاهای شما؛ و تنها برادر همسر من است، نه برادر مردان شما. و چه زیباست منسوب شدن او!

## ۵. دفاع از ولایت

بعد از رحلت پیامبر و غصب خلافت، حضرت زهرا (س) از روش‌های مختلفی برای دفاع از ولایت و امامت و اعلان مخالفت استفاده کرد، حضرت با بی‌توجهی به مخالفان، ایستادگی در برابر ظالم و فداکردن جان خود، با خطبه‌ها و فرمایشات گهربار، وصیت سیاسی و... تا واپسین لحظات عمر شریفشان از ولایت دفاع کردند و مخالفت خود را به‌عنوان پاره تن رسول خدا با غاصبین اعلام کردند.

## ۵-۱. بی‌توجهی به مخالفان

حضرت زهرا (س) بانوی بی‌بدیل جهان اسلام مورد توجه ویژه نبی مکرم اسلام بود. روایات زیادی از طریق سنی و شیعه در شان و مقام والای ایشان وارد شده است که نشان از این دارد که شان و مقام والای ایشان بر علمای جهان اسلام اعم از شیعه و سنی پوشیده نیست. در کتاب ینابیع الموده به نقل از پیامبر اسلام آمده است: «فاطمه بهجۀ قلبی و ابناها ثمرۀ فوادی» (ینابیع الموده ج ۱: ۲۴۳)

احمد بن حنبل درالمسند نقل می کند که پیامبر خدا فرمود: «انما فاطمه بضعه منی یوذنی ما آذاهاوینصبنی ما انصبها». «بی تردید، فاطمه، پاره تن من است؛ آنچه که او را بیازارد، مرا می آزارد و آنچه که او را اندوهگین سازد، مرا اندوهگین می کند». (حنبل، ۱۴۱۵، ج ۴: ۵) حاکم نیشابوری نیز پس از نقل این حدیث درالمستدرک می گوید که این حدیث بر مبنای بخاری و مسلم، صحیح است. (نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۵۸)

از این احادیث می توان استفاده کرد که آنهایی که حضرت زهرا (س) را بعد از رسول مکرم اسلام مورد آزار و اذیت قرار دادند پیامبر را آزار و اذیت کرده است. باید توجه داشت که این روایت در کتب معتبر اهل سنت بیان شده است. با مراجعه به روایات وارد شده در کتب معتبر اهل سنت مشخص می شود که حضرت زهرا (س) بعد از غضب خلافت بشدت ناراحت بودند و تا زمان وفاتشان ناراضی ماندند. در صحیح بخاری باب فرض خمس آمده است «فغضبت فاطمه بنت رسول الله (ص) فهجرت ابابکر فلم تزل مهاجرة حتى توفيت» (بخاری، ج ۳: ۱۱۲۶) فاطمه دختر رسول خدا از ابوبکر روی گردان شد و این ناراحتی ادامه داشت تا از دنیا رفت؛ در باب غزوه خیبر نیز نقل می کند: «فوجدت فاطمة هلی ابی بکر فی ذلک فهجرت فلم تکلمه حتى توفيت» (همان، ج ۴: ۱۵۴۹) ابن ابی الحدید می نویسد: «و صحیح عندی أنها ماتت و هی واجدة علی ابی بکر و عمروانها اوصت الا یصلیا علیها...» صحیح نزد من آن است که فاطمه (س) از دنیا رفت در حالی که ابوبکر و عمر غضبناک بود وصیت نمود که ابوبکر و عمر بر جنازه او نماز نخوانند. (شرح نهج البلاغه، ج ۶: ۶۰)

در کتاب الامامه والسیاسة ابن قتیبه می نویسد: «عمر به ابوبکر گفت بیا باهم به پیش فاطمه برویم زیرا ما او را غضبناک کردیم، پس به راه افتادند و از فاطمه اذن ورود خواستند، ولی او اجازه ورود نداد. به نزد علی رفتند و با او سخن گفتند، علی آن ها را به داخل خانه آورد و چون نزد فاطمه نشستند، آن حضرت صورتش را به سمت دیوار برگرداند و جواب سلام آنها را نداد. پس ابوبکر گفت: ای محبوب رسول خدا به خدا سوگند خویشاوندی رسول خدا نزد من دوست داشتنی تر از خویشاوندی خودم می باشد، من تورا از دخترم عایشه بیشتر دوست دارم، روزی که پدرت وفات کرد دوست داشتم من هم می مردم، آیا گمان می کنی من با این که تو را می شناسم و فضل و شرف تو را می دانم تورا از حق و میراث محروم می کنم؟ اما از پدرت شنیدم که می گفت: «ما ارث بجا نمی گذاریم و هرچه از ما باقی بماند صدقه است.» در این هنگام فاطمه فرمود: «اگر حدیثی از رسول خدا نقل کنم آیا آن را تایید می کنید و به آن عمل می کنید؟ گفتند آری. فرمودند: «شما را به خدا قسم می دهم آیا شما دو نفر از رسول خدا نشنیدید که فرمودند: «خشنودی فاطمه خشنودی من است، و ناراحتی او ناراحتی من. هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را خشنود نماید مرا خشنود کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؟» ابو بکر و عمر هر دو اعتراف کردند که «بله ما از رسول خدا این گونه

شنیدیم» سپس فاطمه زهرا (س) فرمودند: «پس خدا و ملائکه را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کردید و در ملاقات با پدرم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد.» (ابن قتیبه، ج ۱: ۱۷) با توجه به این روایات و روایات مشابه، که در کتب معتبر اهل سنت نقل شده، به دست می‌آید که حضرت زهرا (س) پس از غضب خلافت امیر المومنین برای دفاع از حق امام خویش با غضب و عصبانیت برخورد کردند و ناراضی خود را از به این نحو اعلان کردند و با این رفتار خود به آن‌ها و تمام مسلمین اعلام کردند که با توجه به شان و مقامی که نزد خدا و رسول خدا دارند؛ خلافت را حق امیر المومنین می‌دانند.

## ۵-۲. ایستادگی در مقابل ظلم و گذشتن از جان خویش

حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت خود را پشت در خانه سپر قرارداد و از ولایت با تمام وجود، دفاع کرد (انصاری زنجانی، ۱۴۲۸، ج ۱۱، ۱۲۵) ایشان با ایستادگی در برابر غاصبین به مسلمین نشان داد که نه تنها با خلیفه غاصب بیعت نمی‌کند بلکه تا جان در بدن دارد از امام برحق خود نیز دفاع می‌کند. هنگام بردن حضرت علی به طرف مسجد فرمود: «والله لا ادعکم تجرون ابن عمی ظلما» سوگند به خدا، نمی‌گذارم پسر عموی مرا ظالمانه به سوی مسجد، کشان کشان ببرید. (قمی، ۱۱۷) و آنگاه که دید حضرت علی را با شمشیر به جهت بیعت گرفتن تهدید می‌کند فرمود که آیا می‌خواهی مرا بی شوهر کنی؟ سوگند به خدا اگر دست از سر او بردارید موی سرم را پریشان می‌کنم و گریبان چاک زده کنار قبر پدرم رسول خدا می‌روم. (عیاش السلمی، ۲، ۳۲۹ق) در منابع دیگر نیز آمده است که جماعتی رهسپار خانه علی شده و ریسمانی به گردن آن حضرت انداختند تا او را برای بیعت به مسجد بیاورند؛ اما با مقاومت شدید حضرت زهرا (س) مواجه شدند. حضرت به میان جمعیت آمد و دامن علی را محکم گرفت. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۳۰) و فرمود: «به خدا قسم! نمی‌گذارم پسر عمویم را ظالمانه (برای بیعت) ببرید». (کلینی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۲۳۸) سرانجام، امیر المومنین را دستگیر کرده و به مسجد بردند. حضرت زهرا (س) که مدافع ولایت بود، هنگامی که به خود آمد دید، علی را به جانب مسجد برده اند و جای درنگ نیست؛ جان علی در خطر است و باید از او دفاع کند. از این رو، با تن خسته و پهلوی شکسته از خانه بیرون آمد و به اتفاق گروهی از زنان بنی هاشم روانه مسجد شد. چون دید علی را بازداشت نموده اند، با تن مجروح بلند شد و فرمود: «رها کنید پسر عمویم را! قسم به آن خدایی که محمد را به حق برانگیخت، اگر از وی دست بردارید سر خود را برهنه کرده و پیراهن رسول خدا را برفکنده و در برابر خدا فریاد برخواهم آورد و همه تان را نفرین می‌کنم به خدا، نه من از شتر کم ارج ترم و نه کودکانم از بچه او کم قدرتر». (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۲۶) آنگاه حضرت فاطمه همراه حسنین برای نفرین به سوی قبر رسول خدا حرکت کرد. علی به سلمان فرمود: سلمان! فاطمه را دریاب؛ گویی دو طرف مدینه می‌نگرم که به لرزه افتاده. سوگند به خدا، اگر فاطمه نفرین و ناله سر دهد، دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی‌ماند و زمین همه آنها را در کام خود فرو می‌برد... سلمان عرض کرد: ای دخت پیامبر! امام علی مرا



فرستاده که به شما بگویم به خانه بر گردید و نفرین نکنید. حضرت فرمود: ای سلمان! آن‌ها قصد جان علی را دارند و من در قتل علی نمی‌توانم صبر کنم. سلمان عرض کرد: امام علی مرا فرستاده به شما بگویم به خانه برگردید و نفرین نکنید. وقتی حضرت متوجه پیام امام خویش شد فرمود: حال که امامم (دستور داده) برمی‌گردم و صبر می‌کنم و سخن او را می‌پذیرم و از او اطاعت می‌کنم. (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۲۸: ۲۲۸)

### ۳-۵. اشک و ناله هدفمند

یکی دیگر از راههای دفاع آن حضرت اشک و ناله‌های هدفمند بود که در فراق پیامبر می‌ریخت، و از مسلمین و بی‌وفایی آن‌ها شکایت می‌کرد. محمد بن ولید می‌گوید: صدای ناله جانسوز حضرت زهرا (س) مرا متوقف کرد، از او پرسیدم دلیل این همه گریه چیست؟ حضرت درباره حق حضرت علی یادآوری کردند و از قول پیامبر فرمودند: «بهترین جانشین من، علی است اگر با آن مخالفت کنید، قطعاً تا روز قیامت آتش اختلافات بر پا خواهد بود» و در جایی دیگر با حالتی گریان فرمودند: «امت، بعد از پیامبر آن امامت را که خداوند برای ما قرار داده است از ما منع کردند. اینها بیانگر آن است که حضرت زهرا (س) به صورت علنی و شفاف از، زیر پا گذاشتن حق حضرت علی سخن میان می‌آورند و حقیقت ولایت را برای مردم تبیین می‌فرمودند. (حکیم، ۱۳۸۱، ج ۳، ۱۶۷) براساس احادیث یکی از بکائین تاریخ، حضرت زهرا (س) است. این ندبه‌ها و زاریهای طولانی و مداوم، همسایگان را به ستوه آورد و خدمت علی آمدند و گفتند: سلام ما را به فاطمه برسان و بگو یا شب بگرید یا روز که از ما سلب آسایش کرده است. در پی این اتفاق، فاطمه روزها بر سر مزار رسول خدا و مزار شهدا در بقیع می‌رفت و مبارزه منفی با غصب خلافت را با شکواییه و مرثیه سرائی در آن جا ادامه داد. (کلینی، ج ۸: ۱۹۹؛ مجلسی، ج ۴۳: ۴۷ و ۱۷۷). این گریستنها که همراه با سخنانی تأمل برانگیز بود، مردم را به این سؤال وامیداشت که چرا فاطمه اینقدر گریه میکند و چرا با گذشت زمان مصیبت پدر را فراموش نکرده است!؟

### ۴-۵. خطبه‌ها

سخنان و فرمایشات حضرت زهرا (س) در دفاع از حریم ولایت در تاریخ ثبت شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

۴-۵-۱. **خطبه فدکیه:** حضرت زهرا (س) در قسمتی از خطبه فدکیه می‌فرماید که علی در راه خداوند کوشا، به رسول خدا نزدیک، و بهترین اولیای نصیحت‌گر، تلاشگر و کوشنده بود، و شما در آن هنگام در آسایش می‌زیستید و از امنیت برخوردار بودید. مترصد تغییر جهت چرخ گردون علیه ما و گوش به زنگ اخبار بودید. به هنگام کارزار عقب‌گرد می‌کردید و در میدان نبرد فرار را بر قرار ترجیح می‌دادید. چون خداوند سرای پیغمبرانش را برای پیامبر خود برگزید و جایگاه

برگزید گانش را منزلگاه او ساخت، کینه‌ها و دورویی‌ها آشکار و پرده دین دریده شد. هر گمراهی مدعی و هر گمنامی سالار و هر یاوه‌گویی در پی گرمی بازار خویش، شیطان سر از کمینگاه خود به در آورد و شما را به سوی خود فراخواند، و بسیاری از شما را آماده پذیرفتن دعوتش و منتظر فریض یافت! شما هم سبک‌بار در پی او دویدید و به آسانی در دام فریض خزیدید. و او آتش انتقام را در دلها تان برافروخت. آثار خشم در چهره شما نمایان گردید و سبب شد که بر غیر شتر خود داغ نهید و در غیر آب‌شخور خود وارد شوید. این در حالی بود که هنوز دو روزی از مرگ پیامبران نگذشته، سوز سینه ما خاموش نشده، جراحت قلب ما التیام نیافته، و هنوز پیامبر خدا در دل خاک جای نگرفته بود. بهانه شما این بود که از بروز فتنه‌ها جلوگیری می‌کنید «راهی جز راه حق می‌پوید» و گرنه کتاب خدا در میان شماست! مطالب و موضوعاتش معلوم و احکام و دلایل آن روشن و درخشان، نشانه‌هایش نورانی و هویدا، نواهی‌اش آشکار و اوامرش گویاست. اما شما آن را به پشت سر افکندید. آیا از کتاب خدا روی برتافته از آن اعراض می‌کنید؟ آیا داوری جز قرآن می‌گیرید؟ یا به غیر آن حکم می‌کنید؟ «ستمکاران بد جانشینی را برای قرآن برگزیده‌اند، و هر کسی کیشی جز آیین اسلام را پذیرا گردد، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت در زمره زیانکاران خواهد بود؛ حتی شما آن مقدار درنگ و تأمل نکردید تا اسب سرکش خلافت رام گردد و تسلیمان شود که به راحتی بتوانید از آن سواری بگیریید و کینه و نفرتان فروکش کند. هیزم در آتش فتنه افکنده آن را برای شعله‌ور شدن برهم زدید. ندای شیطان فریبکار را لبیک گفتید و به خاموش ساختن آیین حق و دین نورانی و از میان برداشتن سنت پیامبر برگزیده کمر بستید. چنین ماند که زدودن کف از روی شیر را بهانه کرده آن را پنهانی تا به آخر سر کشیدید. برای گوشه‌نشین کردن خاندان و فرزندان پیامبر در کمینگاه خزیدید. ما چاره‌ای جز شکیبایی ندیدیم و همچون خنجر به گلو فرو رفته و تیغ بر آن بر دل نشسته سکوت نمودیم.» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۴۳: ۸۳۰)

حضرت در این خطبه به جایگاه امیرالمؤمنین نزد رسول خدا اشاره کرده و به مجاهدت‌های ایشان در راه دین خدا را بیان می‌کنند. در قسمت دیگر خطبه اشاره به ورود غاصبان به جایگاه خلافت می‌کنند در حالی که خاندان رسول هنوز داغ دارند و چند روزی از رحلت پیامبر نگذشته است، حضرت اشاره می‌کنند که عده‌ای به بهانه‌هایی در انتخاب جانشین پیامبر عجله و خاندان رسول الله را خانه نشین می‌کنند. این بدین معناست که خاندان رسول خدا سزاوارترین افراد برای خلافت رسول الله بودند و نباید خانه‌نشین می‌شدند.

۵-۴-۲. **تهدید به نفرین؛** آنگاه که حضرت علی را به زور به مسجد بردند، حضرت زهرا (س) در حالی که پیراهن رسول اکرم را روی سر گذاشته بود و دست حسنین را در دست داشت، به سوی مزار پیامبر حرکت کرد تا قوم را نفرین کند. آنچه در عمل کرد صدیقه طاهره در این جا شایان توجه است آنکه دختر رحمه للعالمین که از آزار قوم به ستوده آمده و قصد نفرین داشت، وقتی پیام امام خود مبنی بر ترک نفرین را دریافت کرد، بی‌چون و چرا اطاعت نمود و از نفرین دست کشید. (کلینی، ج ۸: ۲۳۷؛ طبرسی: ۱۸۶). این اطاعت از امام زمان در جای دیگری نیز تجلی کرد. آنگاه که حضرت زهرا (س) بعد

از ارائه دلایل قرآنی و شواهد خود برای اعاده حق فدک، با بی‌توجهی غاصبان مواجه شد، سکوت علی را مشاهده و به تبعیت از ایشان سکوت نمود. (طبرسی، ج ۱: ۱۰۷).

۵-۴-۳. **کلامی با زنان؛ حضرت زهرا (س)** در کلام خود با زنان مدینه فرمود: «چگونه شما راملزم کنیم به سوی راه هدایت، درحالی که از شنیدن کلمات ما کراهت دارید؟!» این سخنان به واسطه زنان به مردان صحابه رسید و آنها را واداشت تا برای توجیه عملکرد خود به بهانه‌های واهی چنگ زنند. این بی‌منطقی موجب شد که حضرت در پاسخ به آنها بفرماید: «از من دور شوید! پس از اتمام حجت بر شما دیگر جایی برای عذروبهانه شما نیست و هیچ عذر و بهانه‌ای تقصیر و کوتاهی شمارا جبران نمی‌کند.» حضرت در این فرمایش خود سخنانی را به زنان مدینه می‌زند تا به مردان خود بگویند و از اطراف خلافت پراکنده شده و به سوی خلیفه بر حق یعنی علی (ع) بیایند به همین خاطر از عبارت «راه هدایت» استفاده می‌کند که قطعاً همان امیرالمؤمنین می‌باشد. نکته دیگری که در ارتباط با زنان حائز اهمیت است آنکه در میان شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب حضرت زهرا (س) افرادی حضور دارند که عملکردشان در دفاع از ولایت بی‌نظیر است، حضرت بوسیله این افراد به روشنگری درباره علی (ع) می‌پردازد و از نقشه دشمنان در مورد ایشان آگاه می‌شوند. یکی از این شاگردان مکتب فاطمی، اسماء بنت عمیس، همسر ابوبکر است که یکی از شهود قضیه فدک و از تکذیب کنندگان حدیث در باب ارث نهادن انبیاء بود و در حوادث بعد از رحلت پیامبر (ص) نقشی سودمند ایفا کرد. (غروی نائینی: ۳۴) تربیت‌یافته دیگر حضرت زهرا (س)، فضا خادمه است. اعمال صالح این بانوی بزرگوار در تاریخ ثبت و ضبط شده است. اما آنچه در این مقاله می‌گنجد، عمل فضا خادمه، در دفاع از ولایت است. در نامه عمر به معاویه چنین آمده است: «چون به در خانه علی آمدم، ابتدا کنیزشان فضا بیرون آمد و با من احتجاج کرد. (مجلسی، ج ۸: ۲۳۰).

## ۵-۵. وصیت

یکی از وصیت‌های سیاسی و اعتراضی آن حضرت این بود که دستور داد او را شبانه و مخفیانه دفن کنند تا در تشییع جنازه او شرکت نکنند. سعی بر این است که با استفاده از منابع اهل سنت این بخش را مطرح کنیم. از امیر المومنین پیرامون راز دفن شبانه حضرت فاطمه سوال شد، حضرت فرمود: بر جماعتی غضبناک بود و حضور آنها را در تشییع جنازه اش خوش نداشت و حرام است بر کسی که آنها را دوست بدارد و بر یکی از اولاد او نماز گزار. (شهر آشوب، ۱۴۲۹ ق، ج ۳: ۴۱۲). این وصیت سیاسی در صدد آن است که غاصبان خلافت و ظالمین به دختر پیامبر را تا قیام قیامت رسوا کنند، و به همه مسلمین بفهماند که کسانی که دختر پیامبر اسلام را مورد آزار و اذیت قرار دهند مورد غضب فاطمه زهرا (س) قرار گرفته‌اند و حق شرکت در تشییع و نماز زهرا (س) اظهر را ندارند.

## شبهه

ابن تیمیه می‌گوید: «آنچه را که حلی نقل کرده که فاطمه وصیت کرد تا او را شبانه دفن کنند و هیچ کس بر او نماز نگذارد، این مطلب را کسی از فاطمه حکایت نمی‌کند و به آن جز فرد جاهل احتجاج نمی‌نماید، او به فاطمه مطلبی را نسبت می‌دهد که لایق آن نیست، و این مطلب اگر صحیح باشد، به گناه بخشیده شده سزاوارتر است تا سعی مشکور؛ زیرا نماز مسلمان بر دیگری خیرزایدی است که به او می‌رسد.» (ابن تیمیه حرانی، ج ۴: ۲۴۷ و ۲۴۸)

## پاسخ:

حضرت زهرا (س) بی‌جهت چنین وصیتی نکرده است، او به جهت مبارزه سیاسی با دستگاه حاکم و مطلع کردن مردم از بی‌عدالتی آنان، دست به چنین وصیتی زده است. او با این عملش می‌خواست مردم سؤال کنند چرا دختر پیامبر باید شبانه دفن شود؟ و اگر مردم از سرآین وصیت آگاه شوند پی به عدم مشروعیت خلافت و بی‌عدالتی آنان خواهند برد. و نیز حضرت با این وصیت نخواست تا آنان با حضور خودشان به مردم چنین وانمود کنند که ما خلیفه به حق مسلمین هستیم و با اهل بیت پیامبر مشکلی نداریم. هر سیاستمداری می‌فهمد که این وصیت چه تأثیر سوئی بر دستگاه خلافت تا روز قیامت داشته است. ثانیاً: نماز هر کس بر جنازه شخصی منشأ خیر زاید نخواهد بود. ثالثاً: حضرت زهرا (س) مطابق آیه تطهیر و برخی از احادیث، معصومه بوده و از هر نوع اشتباه و خطا مصون است. پیامبر در شأن او فرمود: «فاطمه بضعة منی من غضبها فقد أغضبنی.» (بخاری، ج ۴: ۲۱۰) «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را به غضب درآورد به طور حتم مرا به غضب درآورده است.» کسی که این گونه وصیت کرده به طور حتم از دستگاه خلافت و سردمداران آن غضبناک بوده است، در نتیجه آنان مورد غضب پیامبر نیز قرار گرفته‌اند. این حدیث دلالت بر عصمت حضرت زهرا (س) دارد؛ زیرا اگر حضرت در تمام امورش از آن جمله غضب کردن، معصوم نبود خداوند به طور مطلق در تمام موارد غضب کردن حضرت، غضب نمی‌نمود. نتیجه این که: حضرت زهرا (س) با این وصیتش تا روز قیامت حجت را برای کسانی که برای حکومت خلیفه اول ارزشی قائل‌اند، تمام کرد... رابعاً: ابن تیمیه در اصل وصیت و این که حضرت زهرا (س) به توسط حضرت علی شبانه دفن شد شک دارد و بر فرض ثبوت این قضیه بر حضرت زهرا (س) اشکال و ایراد می‌کنند؛ در حالی که مطابق نصوص معتبر نزد فریقین، هم وصیت به دفن شبانه و هم دفن حضرت شب هنگام از مسلمات است.

بخاری به سندش از عایشه نقل کرده که گفت: بعد از پیامبر شش ماه زنده بود. هنگامی که وفات نمود شوهرش علی او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را بر آن امر اعلان نمود. (صحیح بخاری، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۷۷) مسلم نیز در ضمن قضیه غضب حضرت زهرا (س) وفات او می‌گوید: «علی خبر وفات حضرت فاطمه را به ابوبکر نرسانید و خودش بر او نماز گزارد.» (مسلم، ج ۳: ۱۳۸۰)

یعقوبی نقل می‌کند: «... فاطمه بر شوهرش علی وصیت کرد تا او را غسل دهد... و شبانه به خاک بسپارد، و کسی به جز سلمان و ابوذر و بنا بر نقلی عمار در تشییع جنازه او حاضر نشد». (یعقوبی، ج ۲: ۱۱۵) استاد توفیق ابو علم نقل می‌کند: «فاطمه زهرا (س) سه وصیت کرد، یکی آن که کسانی که بر آنان غضبناک بوده، در تشییع جنازه اش حاضر نشوند و جنازه اش شبانه به خاک سپرده شود...». (ابو علم: ۱۸۴). با دقت در کتب معتبر اهل سنت بی‌اساسی اشکال ابن تیمیه روشن شده و صحت وصیت سیاسی حضرت زهرا (س) بر همگان آشکار می‌گردد.

## نتیجه گیری

تحلیل عملکرد صدیقه طاهره نشان می‌دهد حمایت ایشان از ولایت مصداق تام و کامل یک دفاع اساسی است و در دفاع از امامت و رهبری جامعه اسلامی می‌توان به این سیره، تاسی جست. حضرت زهرا (س) برای دفاع از ولایت، فدک را بهانه کرد تا با بیان سخنرانی هایشان به دفاع از ولایت و حق از دست رفته علی پردازد، به تبیین دفاع از حقیقت ولایت علی پرداخت و با کارهای مختلفی که انجام داد، فقط و فقط حضرت علی را شایسته مقام و منصب خلافت می‌دانست. حضرت زهرا (س) بارها اعتراض خود را از طریق گریه‌های هدفمند در جهت مبارزاتش علیه حاکم وقت و نارضایتی از دستگاه حاکم به گوش همگان می‌رساند و در نهایت، با وصیت سیاسی و تاریخی خود، تیر نهایی را به سمت مخالفین پرتاب کرد و دامن مبارزه را تا قیام قیامت توسعه داد و با دفن شبانه‌اش از ولی اش دفاع نمود و مظلومیت خود و امامش را به جهانیان ثابت کرد. حضرت زهرا (س) با این کارهای خود هم از امام و ولی برحق خود دفاع کرده و وظیفه شرعی خود را انجام داد، و هم به مسلمین اعلام کرد که تاجان در بدن دارند از طرق مختلف باید پشت رهبر جامعه خود ایستاده و به هیچ عنوان نباید پشت رهبری جامعه اسلامی را خالی کنند. به خاطر اینکه پشت کردن به رهبر جامعه تاوان بسیار سنگینی دارد که جامعه اسلامی یکبار آن را تجربه کرده و آثار آن تا قیامت دامن مسلمین را خواهد گرفت.

## منابع

قرآن

نهج البلاغه

ابن بابویه، محمد بن علی، (امالی) (۱۴۱۷)، نشر موسسه بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

انصاری زنجانی، اسماعیل (۱۴۲۸)، (الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهرا (س))، نشر دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ ق.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۰)، (صحیح بخاری)، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، تربت جام، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ش.

جمعی از محققان (عبدالحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، غلامرضا لایقی) (۱۳۹۰)، (شرح ابن ابی الحدید)، نشر کتاب نیستان و اطلاع، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱)، (المستدرک)، نشر دارالکتب علمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

حجاج نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۹۴)، (صحیح مسلم)، انتشارات حسینی اصل، ارومیه، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.

حکیم، سید منذر (۱۳۸۱)، (اعلام الهدایه)، معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۱ ش.

حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ ق) (المسند)، نشر موسسه رساله، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۹۵)، (زندگانی حضرت زهرا (س) و دختران آن حضرت)، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ ۲۳، ۱۳۹۵.

رفیعی، علی (۱۳۸۱)، (تاریخ تحلیلی پیشوایان)، زمزم هدایت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

شفیعی شاهرودی، محمد حسن، امینی، عبدالحسین (۱۳۸۹)، (الخلافة و الامامة)، موسسه فرهنگی میراث نبوت، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.

شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹)، (مناقب آل ابی طالب)، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.

شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۲۹ ق)، (مناقب آل ابی طالب)، انتشارات ذوی القربی، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۹ ق.

- صدوق، (۱۳۸۶) (علل الشرائع)، نشر داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۳)، (احتجاج)، انتشارات اسوه، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۳ ش.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، (الاحتجاج علی اهل الحجاج)، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، (اعلام الوری باعلام الهدی)، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، (تفسیر عیاشی)، نشر مکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- غروی نائینی، نهله، (۱۳۸۹) (محدثات شیعه)، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ش.
- فرات کوفی، فرات ابن ابراهیم (۱۴۰۱)، تحقیق محمد کاظم محمودی، (تفسیر فرات کوفی)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۱)، (بیت الاحزان)، نشر دارالحکمه، قم، ۱۳۷۱ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، (اصول کافی)، نشر دارالثقلین، قم، چاپ ۴، ۱۳۹۳ ش.
- مجلسی، محمدباقر، (بحار الانوار)، نشر موسسه دارالکتب اسلامیة، تهران، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۲۴۱ ق)، (حیوة القلوب)، نشر دارالخلافة، تهران، ۱۲۴۱ ق.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ ق)، (مروج الذهب)، نشر دارالهجره، قم، ۱۴۰۹ ق.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ ق)، (کتاب سلیم بن قیس هلالی)، انتشارات هادی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۹)، (تاریخ یعقوبی)، نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ ۱۱، ۱۳۸۹ ش.